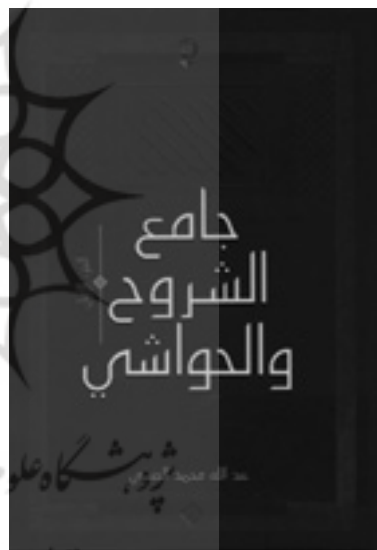


جامع الشروح و الحواشی: معجم شامل لاسماء الكتب المشروحه فی التراث الاسلامی و بیان شروحها تألیف عبدالله محمد الحبشی. - ابوظبی: مجمع الثقافی، ۱۴۲۵ق. = ۱۳۸۳ش. ۳، ج.

دارد اشاره کند.

کار حاجی خلیفه در کشف الظنون در بیان اسامی برخی کتب و اشاره به شروح آنها، اولین تلاش در زمینه آشناسازی محققان و پژوهشگران با شروح کتب است. پس از او، کارل بروکلمان^۱، مستشرق آلمانی، تعداد دیگری از شروح را در آثار خود، به ویژه تاریخ الادب العربی^۲، نام برده و به مخطوطات آنها در بلاد اسلامی و دیگر سرزمین‌ها اشاره کرده است.

نویسنده کتاب جامع الشروح و الحواشی نه تنها به جمع‌آوری شروح به معنایی مصطلح پرداخته، بلکه عناوین شروحي را نیز که بر این شروح نگاشته شده گردآوری کرده است که مورد اخیر به "حواشی" معروف است. وی همچنین به ذکر تقریراتی که بر این حواشی نگاشته شده اهتمام ورزیده است. گذشته از این، الحبشی به فنون دیگر مانند منظوم‌سازی کتبی که در طول اعصار مختلف تمدن اسلامی رواج داشته نیز پرداخته است.



علیرغم حضور بارز و برجسته علما و دانشمندان بزرگ و فرهیخته در عرصه شرح و حاشیه‌نویسی، دیده نشده است که کسی به طور مجزا اسامی این کتاب‌ها را گردآورد و در یک تألیف جداگانه به بیان خصوصیات و عناوین آن پردازد و به نسخه‌های چاپی و خطی آنها و اینکه این کتاب‌ها در حال حاضر در کجا قرار

1. Brockelman, Carl (1868-1956)
2. Geschichte der Arabischen Literatur

این شروح از ذخایر میراث پربار و غنی اسلامی هستند. در این خصوص گاه می‌بینید که یک عالم شیعی کتاب عالمی از اهل سنت را شرح می‌کند و یا یک عالم سنی بر تألیفات خواجه نصیرالدین طوسی و دیگران شرح می‌زند و در جای دیگر دانشمندی در موریتانی کتاب یکی از علمای نیشابور را به نظم در می‌آورد. این گونه است که وحدت اسلامی به صورت کاملی متجلی می‌شود.

این حواشی گاه خود به صورت کتابی مستقل شرح شده و با اصل اولیه کتاب به رقابت علمی می‌پردازد. در این حالت غالباً حواشی را به اصل کتاب ملحق می‌کنند.

شرح نویسی دوگونه است: نخست، شرح متن و عبارات صاحب کتاب در کتابش؛ و دوم، شرح ممزوج.

درخصوص مورد اول، شارح تلاش می‌کند تا عباراتی از متن اصلی را آن چنان که هست بیاورد و علامتی برای مشخص شدن آن قرار دهد تا از کلام و شرح خودش جدا شود. غالب شرح‌نویسان متأخر این گونه عمل می‌کنند.

درخصوص مورد دوم، شارح کلام خود را با متن اصلی کتاب به گونه‌ای ممزوج کرده و در هم می‌آمیزد که خواننده گمان می‌کند این کتاب کلام شخص واحد است.

چنانکه می‌دانید تفصیل و جداسازی کلام شارح و صاحب کتاب کاری فنی و تخصصی است، به طوری که پژوهشگر و محقق متن اصلی را داخل پرانتز قرار می‌دهد و یا آن را با خط قرمز مشخص می‌کند تا بتوان کلام شارح را از متن اصلی مؤلف جدا کرد. مثال بارز برای این نوع شرح‌نویسی کتاب تاج العروس نوشته حنفی زبیدی است. در این کتاب، علاوه بر شروح،

ملحقاتی از قبیل مختصرات کتب و منظومات آنها آورده شده است. علاوه بر این، کارهای دیگری مانند تخریج احادیث و آوردن شواهد شعری و ذیل‌ها و تکمله‌هایی که بر تألیفات مختلف نگاشته شده است و برخی رموز و علامات نیز آورده شده است؛ به طوری که خواننده در برخی موارد می‌بیند که بر برخی متون شروح فراوان و عدیده‌ای نگاشته است و تعدادی از متون نیز شروح معدودی دارد، که چه بسا از یک مورد تجاوز نکند. معمولاً کتبی که شروح فراوانی دارند مورد استفاده محققان در زمینه تحقیق و پژوهش بوده است؛ مثل متن آجر و میه و متن الفیه و دیگر متون.

پیروان مذاهب نیز به شرح متونی می‌پرداختند که نزدشان مشهور بود. به طور مثال، حنفیه کتاب هدایه را شرح کردند و مالکیه نیز کتاب مختصر خلیل را شرح دادند به طوری که شروح آن کتاب فراوان گشت و به صدها شرح رسید. در این میان برخی از شروح یاد شده مشابه و تکراری بود. شافعیه نیز به نوبه خود کتاب منهاج، حنبله کتاب مختصر خرقی و شیعه امامیه کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی را شرح کردند. شرح حدیث‌نگاری کاری است که علمای بزرگ که به درجه بالایی از علم رسیده‌اند به آن اهتمام ورزیده‌اند. مانند ابن دقیق العید و ابن حجر عسقلانی و سخاوی و دیگران. کتاب صحیح بخاری در رأس کتب حدیثی است که بسیار به آن عنایت شده و شروح فراوانی بر آن نگاشته شده است. یکی از متون کوچکی که بسیار بر آن شرح نوشته شده است کتاب نخبة الفکر نوشته ابن حجر عسقلانی و الاربعین حدیثا نوشته نووی است. علاوه بر این، کتاب‌های دیگری در سایر فنون و صناعات نوشته شده است که

آورده شده، خواننده به جایی که نام مشهور کتاب آمده ارجاع داده می‌شود. این امر می‌تواند دو فایده داشته باشد: یکی شناخت اسم کتاب آن‌طور که مؤلف ذکر کرده، و دیگری شناخت نام مشهور آن. همچنین نشانی نسخه‌های خطی هر شرح ذکر شده است؛ به‌خصوص در جایی که شرح از شروح نادر و کمیاب باشد. برخی کتب نیز شروح فراوان دارند و مخطوطات آن به صدها نسخه می‌رسد.

برخی مخطوطات و شروح که علما بر آنها مطالبی مرقوم کرده‌اند و به عنوان میراث اصلی و محکم ما محسوب می‌گردند در گردآوری این مجموعه مورد توجه واقع شده‌اند. ابتکار دیگر مؤلف استفاده از علائم و نشانه‌های اختصاری است. به عنوان مثال:

- علامت شرح

● علامت حاشیه

○ متن منظوم

خ نسخه خطی

کتاب جامع الشروح والحواشی در سه جلد به ترتیب الفبای عناوین آثار تدوین شده است.

خواننده در این کتاب با آن آشنا خواهد شد. با وجود تمام تلاش‌هایی که برای جمع‌آوری و استقصاء کتب و شروح مختلف انجام شده است، چه بسا مواردی نیز از دست رفته باشد.

روش عبدالله الحبشی در آوردن شروح و ذکر عناوین آنها به این شکل است که اسم متن را آن چنان که در اصلش آمده بدون هیچ زیادت و نقصانی می‌آورد و در مواردی معدود نیز به ذکر نام کتبی که نزد علما و شارحان مشهور بوده اکتفا می‌کند. به این ترتیب، نام کتاب در عنوان شروح با نام مشهور آورده می‌شود مثل متن رجبیه که در شروح نامش با همین لفظ آمده، ولی اسم حقیقی آن بغیه الباحت می‌باشد و نیز متن الجزریه که مؤلفش آن را مقدمه نامیده و نزد علما به المقدمه الجزریه معروف شده است. از این رو، به اسم مشهور کتاب اکتفا شده است. همچنین الجامع الصحیح نوشته بخاری که نزد علماء و شارحان این کتاب به بخاری مشهور شده و در حرف باء آمده است.

اسامی حقیقی کتاب‌ها در محل و ترتیب اصلی خودش آورده شده و آنجا که اسم حقیقی

علیرضا کاوند و
جهانگیر رهبری

